

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامعه المصطفیٰ العالی

مدرسه عالی امام خمینی رحمته

پایان نامه کارشناسی ارشد گروه فلسفه و کلام

گرایش فلسفه اسلامی

عنوان:

مکتب اخلاقی استاد شهید مطهری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد فتحعلی خانی «زید عزه»

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی عباسی «زید عزه»

دانش پژوه:

ناصرجان خالق اف

آذرماه ۱۳۸۷

اهداء:

اهدا به پيشگاه برترين آفريده خداوند، پيامبر اعظم ﷺ و خاندان پاكش ﷺ به ويژه منجى
عالم بشریت مهدى موعود (عجل الله فرجه الشريف) و نیز به روان پاك استاد شهيد مرتضى مطهرى

تقدیر و تشکر:

با حمد و ثنای الهی که موفقم نمود تا این اثر را شروع و به پایان برسانم. و همچنین از زحمات استاد ارجمند جناب دکتر فتحعلی خانی (دامت توفیقاته) که با رهنمودهای دلسوزانه، راهگشای این جانب بودند. همچنین استاد گرانقدر حضرت حجه الاسلام و المسلمین دکتر عباسی (دامت توفیقاته) که مشاور امین و معین در طول نگارش این اثر بودند. همین طور لازم است از زحمات مسئولین مدرسه عالی امام خمینی علیه السلام به ویژه مدیر محترم مدرسه حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای هاشمیان (دامت توفیقاته) تقدیر و تشکر نمایم. و در نهایت از تمامی عزیزانی که مرا در پایان نمودن این رساله کمک نمودند نهایت سپاس را داشته باشم.

چکیده:

از آنجا که اخلاق ارتباط مستقیم با نحوه وجود انسان دارد و به ساحت انسانی انسان مربوط می شود، پس نمی توان زمانی را بدون مسائل اخلاقی در نظر گرفت. اما ارائه کردن مکاتب خاص اخلاقی و تحلیل عقلی مسائل اخلاقی را به طور چشم گیر در سقراط و شاگردانش میتوان مشاهده کرد.

رویکرد جدید علمی و توجه بی اندازه به علوم تجربی و آثار خیره کننده آن بشریت را از توجه کافی به معنویت به غفلت انداخته است. استاد مطهری از اندشمندان آگاه به مقتضیات زمان بوده در تبیین اسلام ناب و رد شبهات بالاخص در مسائل اخلاقی گامی مؤثر در جهت رشد افکار جامعه اسلامی برداشته است.

موضوع این رساله که مکتب اخلاقی استاد مطهری می باشد، ناظر به یک نظام فکری منسجم و هماهنگ اعم از نظری و عملی نسبت به بحث اخلاق است. این رساله به عنوان «مکتب اخلاقی استاد شهید مطهری» در یک کلیات و تعاریف و شش فصل تنظیم شده به بررسی اندیشه ها و تحلیل های استاد مطهری در موضوع اخلاق می پردازد تا روشن شود که آیا اندیشه های استاد دارای تمام عناصر تشکیل دهنده یک مکتب اخلاقی است یا خیر؟

در کلیات به تبیین موضوع، و ضرورت و پیشینه تحقیق و غیره پرداخته شده و نیز در کلید واژه ها، تعاریف واژه های کلیدی بیان شده است.

فصل اول به حقیقت جهان بینی و ایدئولوژی و رابطه آن دو پرداخته و بیان شده است که از نظر استاد مطهری بهترین جهان بینی، جهان بینی دینی است و جامعترین و کاملترین مکتب اخلاقی نیز مکتب اخلاقی دینی برخاسته از جهان بینی دینی است.

فصل دوم در مورد انسان شناسی است و بیان شده که انسان موجودی است قابل تکامل تا بی نهایت.. انسان به خاطر برخورداری از نعمت عقل دارای وجودی است مختار که با اراده و

خواست خود باید این مسیر تکامل را طی کند بنابراین همچنانکه قابل صعود و تعالی است قابل سقوط و انحطاط نیز هست.

فصل سوم در بیان هدف و کمال انسان است که در مکتب اخلاقی اسلام قرب باری تعالی که وجود بی نهایت است، هدف اصلی و کمال انسانی محسوب شده است.

در فصل چهارم مسائل فرا اخلاقی بررسی شده است و بیان شده است که از نظر استاد مطهری مفاهیم اخلاقی مفاهیم اعتباری هستند که به منظور دست یافتن به مقاصد عملی اعتبار می شود. از آنجا که خواستگاه آنها از امور یکسان و ثابت اند گزاره های اخلاقی نیز در عین اعتباری بودن مطلق و جاودانه هستند.

فصل پنجم در مسائل اخلاقی هنجاری بحث می کند و بیان می کند که از نظر استاد مطهری معیار خوبی و بدی افعال اختیاری انسان سازگاری و عدم سازگاری این افعال با من علوی انسان است.

فصل ششم نیز در مورد ویژگیهای مکتب اخلاقی اسلام بحث می شود.

و در آخر این رساله به این نتیجه رسیده که دیدگاه های استاد مطهری در موضوعات و مسائل اخلاقی دارای انسجام و هماهنگی هستند و در آن عناصر تشکیل دهنده یک مکتب مثل جهان بینی و ایدئولوژی- که در آن شناخت انسان و کمال او بررسی شده باشد، بحثهای فرا اخلاقی و اخلاق هنجاری صورت پذیرفته باشد؛ اصول کلی اخلاق بازگو شده باشد- وجود دارد که می توان گفت استاد مطهری دارای یک مکتب اخلاقی است.

فهرست مطالب:

کلیات :

۲	تبيين موضوع:
۲	پرسشهای تحقیق:
۲	سؤال اصلی:
۲	سؤالات فرعی:
۳	فرضیه های تحقیق:
۴	ضرورت تحقیق:
۵	پیشینه تحقیق:
۵	روش تحقیق:
۵	کلید واژه ها:
۵	اخلاق:
۸	تعريف علم اخلاق
۸	اخلاق فضیلت:
۹	اخلاق وظیفه:
۱۱	فلسفه اخلاق:
۱۲	فلسفه علم اخلاق
۱۳	جهان بینی (حکمت نظری)
۱۴	ایدئولوژی (حکمت عملی)
۱۵	مکتب

فصل اول:

حقیقت جهان بینی و رابطه آن با ایدئولوژی در مکتب اخلاقی از نظر اسناد مطهری

- ۱-۱ ماهیت و حقیقت جهان بینی و انواع آن ۱۷
- جهان بینی جهان شناسی است نه جهان احساسی ۱۸
- تفاوت افراد در جهان شناسی ۱۹
- انواع جهان بینی ۲۰
- الف) جهان بینی علمی: ۲۰
- ب) جهان بینی فلسفی ۲۵
- ج) جهان بینی عرفانی ۲۶
- د) جهان بینی دینی ۲۷
- ۱-۲ ضرورت ایدئولوژی ۲۸
- ۱-۳ رابطه جهان بینی با ایدئولوژی ۳۰
- ۱-۴ اقسام مکاتب اخلاقی ۳۳
- ۱-۴-۱ اخلاق فلسفی ۳۳
- ۱-۴-۲ اخلاق عرفانی ۳۵
- ۱-۴-۳ اخلاق دینی ۳۶
- ۱-۵ تأثیر و تأثر متقابل اعتقاد و عمل ۳۸
- ۱-۶ نقش شناخت انسان و کمال و سعادت او در مکتب اخلاقی ۳۹

فصل دوم:

انسان در اخلاق اسلامی از نظر اسناد مطهری

- ۲-۱ ماهیت و حقیقت نفس انسانی ۴۲
- ۲-۲ انسان موجودی است نا متعین ۴۴
- ۲-۳ خود و نا خود ۴۵

۴-۲ ویژگیها و استعدادهای انسان ۴۷

۴۸-۱-۲ حقیقت جویی ۴۸

۴۹-۲-۲ گرایش به فضیلت و خیر اخلاقی ۴۹

۵۰-۳-۲ گرایش به جمال و زیبایی ۵۰

۵۰-۴-۲ گرایش به خلاقیت و ابداع ۵۰

۵۱-۵-۲ گرایش به پرستش ۵۱

۵-۲ عقل و اراده ۵۲

۶-۲ اختیار و انتخاب ۵۳

۷-۲ استعداد تکامل و حقیقت تکامل انسان ۵۴

فصل سوم:

کمال انسان در اخلاق اسلامی از نظر اسناد مطهری

مقدمه: ۵۷

۱-۳ کمال انسان در مکاتب مختلف ۵۸

مکتب برخورداری ۵۸

الف: برخورداری از طبیعت ۵۸

ب: برخورداری در آخرت ۵۹

مکتب قدرت ۶۰

مکتب محبت ۶۲

مکتب سوسیالیسم ۶۲

مکتب اگزیستانسیالیسم ۶۴

مکتب عقل ۶۵

مکتب عرفان و تصوف ۶۶

۱- تحقیر عقل: ۶۷

۲- درون گرایی مطلق: ۶۷

- ۳- نفس کشی ۶۷
- ۳-۲ قرب الهی و کمال بی نهایت انسان در اخلاق اسلامی ۶۸
- ۳-۳ ماهیت قرب الهی ۷۰
- ۳-۳-۱ قرب مکانی: ۷۰
- ۳-۳-۲ قرب مجازی: ۷۰
- ۳-۳-۳ قرب وجودی: ۷۱

فصل چهارم: فرا اخلاق

- ۴-۱ ضرورت بحث از مفاهیم اخلاقی ۷۵
- ۴-۲ اقسام مفاهیم ۷۶
- ۴-۳ موضوعات تعابیر اخلاقی ۸۰
- ۴-۴ محمولات تعابیر اخلاقی ۸۰
- ۴-۴-۱ «باید» و «نباید» ۸۱
- ۴-۴-۱-۱ نظر استاد مطهری در مورد «باید» و «نباید» ۸۱
- ۴-۴-۱-۲ دیدگاه استاد مصباح یزدی ۸۷
- ۴-۴-۱-۳ ارزیابی دو قول مذکور: ۸۸
- ۴-۴-۲ «حسن» و «قبح» ۸۹
- ۴-۴-۲-۱ موضوع حسن و قبح عقلی در حوزه اسلام: ۸۹
- ۴-۴-۲-۲ معنی حسن و قبح در گزاره های اخلاقی: ۹۱
- ۴-۴-۲-۳ دیدگاه استاد مصباح یزدی در باره حسن و قبح: ۹۲
- ۴-۴-۲-۴ دیدگاه شهید مطهری در باره حسن و قبح: ۹۳
- ۴-۴-۳ متفرعات مسئله اعتباری بودن گزاره های اخلاقی ۹۸
- ۴-۵ جاودانگی اصول اخلاقی ۹۹
- ۴-۵-۱ ملاک ارزیابی احکام اخلاقی از نظر استاد مطهری: ۱۰۰

- ۴-۵-۲ وجه جمع بین دو ملاک مذکور: ۱۰۲
- ۴-۵-۳ پاسخ برخی از شبهات نسبت اخلاق: ۱۰۵

فصل پنجم:

بررسی نظریات اخلاق هنجاری از نظر استاد مطهری

- ۵-۱ دسته بندی مکاتب براساس اخلاق هنجاری ۱۰۹
- ۵-۲ مکاتب غایت گرا ۱۱۰
- ۵-۲-۱ مکتب سعادت و کمال ۱۱۰
- ۵-۲-۲ مکتب کلیون ۱۱۴
- ۵-۲-۳ مکتب اپیکوریان ۱۱۵
- ۵-۲-۴ مکتب رواقی ۱۱۶
- ۵-۲-۵ نظریه فلاسفه اسلامی - عقل و اراده ۱۱۷
- ۵-۲-۶ مکتب دوستی و عاطفه ۱۱۷
- ۵-۳ مکاتب وظیفه گرا ۱۱۹
- ۵-۳-۱ نظریه وجدان اخلاق - کانت ۱۱۹
- ۵-۳-۲ مکتب امر الهی - اشاعره ۱۲۳
- ۵-۴ دیدگاه استاد مطهری در مسائل اخلاق هنجاری: ۱۲۴

فصل ششم:

ویژگیهای مکتب اخلاقی اسلام در اندیشه استاد مطهری

- ۶-۱ کرامت نفس محور اخلاق اسلامی ۱۲۹
- ۶-۲ خدا پایه اخلاق اسلامی ۱۳۵
- ۶-۳ نقش عقل و ایمان در اخلاق ۱۳۷
- ۶-۴ نقش نیت در اخلاق ۱۴۲
- ۶-۵ عبودیت راه رسیدن به کمال بی نهایت ۱۴۵

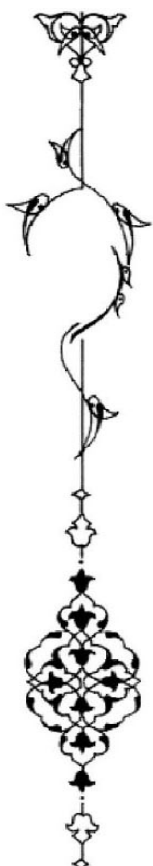
۶-۶ توسعه خودی یا مراحل خروج از خود خواهی ۱۵۳

۶-۷ جامع نگری مکتب اخلاقی اسلامی ۱۵۶

نتیجه گیری و خلاصه : ۱۵۸

منابع: ۱۶۱

کلمات



تبیین موضوع:

موضوع این رساله که مکتب اخلاقی استاد مطهری می باشد، ناظر به یک نظام فکری منسجم و هماهنگ اعم از نظری و عملی نسبت به بحث اخلاق است که در دیدگاه استاد مطهری نقش بسته و آن را در آثار گرانبهای خود ارائه نموده است.

هر مکتبی متشکل از یک نوع جهان بینی خاص و یک نوع ایدئولوژی خاص است که جهان بینی آن زیربنای آن مکتب را تشکیل می دهد و ایدئولوژی آن نیز برخاسته از آن نوع جهان بینی است، و روبنای آن مکتب به حساب می آید. و این دو بخش با تمام جزئیاتش بمانند یک دستگاه کاملاً با هم هماهنگ و منسجم هستند و یک هدف را دنبال می کنند.

این رساله در واقع تلاشی است برای نشان دادن چنین مکتب و نظام اخلاقی که در آثار استاد شهید مطهری تبلور یافته است.

پرسشهای تحقیق:

سؤال اصلی:

دیدگاه های استاد مطهری در موضوعات اخلاقی و فلسفه اخلاق چیست؟ آیا این دیدگاه ها چنان منسجم هستند که بعنوان یک مکتب اخلاقی مطرح باشند؟

سؤالات فرعی:

- ۱- انسان در مکتب اخلاقی اسلام از نظر استاد مطهری چه ماهیتی دارد و کمال نهائی او را در چه میدانند؟
- ۲- مفاهیم اخلاقی از نظر شهید مطهری چه نوع مفاهیم اخلاقی هستند؟
- ۳- آیا از نظر استاد مطهری گزاره های اخلاقی مطلق و جاودانه اند یا نسبی؟

۴- از نظر استاد شهید مطهری، معیار فعل اخلاقی چیست؟ با چه ملاکی می توان تشخیص داد که کدام افعال خوب هستند و کدام بد؟

۵- از نظر استاد مطهری مکتب اخلاقی اسلام دارای چه ویژگیهایی هست؟

فرضیه های تحقیق:

۱- انسان موجودی است دارای استعدادهای نهفته که می تواند به تکامل برسد و کمال انسان نیز آن است که پله های وجودی را طی کند و به کمال بی نهایت که خدای تعالی باشد برسد و قرب الهی پیدا کند.

۲- مفاهیم اخلاقی از نظر استاد مطهری مفاهیم اعتباری هستند که انسان برای رسیدن به اهداف و مقاصد عملی خود این مفاهیم را اعتبار می کند. اما این اعتبار یک اعتبار صرف و بدون پشتوانه نیست بلکه اعتباری است که براساس اهداف واقعی اعتبار می شود.

۳- از نظر استاد مطهری انسانها دارای مراتب وجودی اند که در یک مرتبه علوی دارای خواسته ها و اقتضات مشابه و یکسانی هستند که موجب اهداف یکسان و اعتبارات یکسان می شوند. گزاره های اخلاقی، اعتباراتی هستند که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها بطور یکسان و مطلق اند بنابر این جاودانه هستند نه نسبی.

۴- از نظر استاد مطهری افعال طبیعی افعالی هستند که در یک سطح عادی انجام می شوند و قابل ستایش و نکوهش نیستند اما افعال اخلاقی افعالی در یک سطح انسانی مافوق حیوان انجام می شوند که قابل ستایش و آفرین هستند یا قابل نکوهش و سرزنش. استاد مطهری ملاک و معیار تشخیص خوبی و بدی افعال را تلائم و سازگاری و یا عدم سازگاری آنها با «من علوی» می داند.

۵- مکتب اخلاقی اسلام مکتب توحیدی است و جامع همه ارزشهاست، از هر مکتب دیگری بهتر مسائل را مطرح کرده و در عین حال نقاط ضعف آنها را ندارد.

۶- دیدگاه های استاد مطهری در موضوعات و مسائل اخلاقی دارای انسجام و تشکیل دهنده یک مکتب اخلاقی است.

ضرورت تحقیق:

از آنجائیکه رویکرد جدید علمی و توجه بی اندازه به علوم تجربی و آثار خیره کننده آن از ابتدای رنسانس بشریت را از توجه کافی به معنویت (که ساحت اصلی انسان را تشکیل می دهد) به غفلت انداخته است و در عصر حاضر نیز به اوج خود رسیده است. لذا کمتر جامعه ای را شاهدیدیم (چه اهل اسلام چه سایر ملل) که از این موج سنگین و طوفان متلاطم آسیبی ندیده باشد.

هر چند این نوع پیشرفت به خودی خود امری مطلوب است اما اگر جهت داده نشود ضایعه ای جبران ناپذیر را ایجاد خواهد کرد. این اخلاق و معنویت است که همچون کشتی انسان را از این موج ایمن نگه می دارد و او را با کمک همین موج به مقصد خود می رساند. و بر دانشمندان است که در زمینه اخلاق و معنویت گامهایی را بردارند و آن را از حاشیه زندگی به متن و جایگاه خود برگردانند و بر دیگران است که در نشر و ابلاغ آن سهمی داشته باشند.

استاد مطهری از معدود اندیشمندانی است که با ژرف نگری خود آگاه به مقتضیات زمان بوده و به اهمیت این مسئله ایمان داشت. وی در تبیین اسلام ناب و ردّ شبهات، بالأخص در مسائل اخلاقی با بیان رسا و قلمی شیوا گامی موثر در جهت رشد و ترقی افکار و اندیشه جامعه اسلامی بردارد. می توان گفت که پژوهش در اندیشه های اخلاقی استاد مطهری و بررسی آنها امری مطلوب است و می تواند گامی موثر در جهت هدف استاد شهید مطهری باشد.

پیشینه تحقیق:

از آنجا که اخلاق ارتباط مستقیم با نحوه وجود انسان دارد و به ساحت انسانی انسان مربوط می شود، پس نمی توان زمانی را بدون مسائل اخلاقی در نظر گرفت. اما ارائه کردن مکاتب خاص اخلاقی و تحلیل عقلی مسائل اخلاقی را به طور چشم گیر در سقراط و شاگردانش می توان مشاهده کرد. این مباحث از آن زمان تا کنون فراز و نشیب های زیادی داشته است و مکاتب گوناگونی به عرصه ظهور رسیده اند.

استاد مطهری نیز به خاطر اهمیتی که مسائل اخلاقی دارد، نظرات و تحلیل های خاصی ارائه نمود که ناظر به مسائل و موضوعات اخلاقی از مکتب اهل بیت است که مورد توجه اندیشمندان نیز قرار گرفته و مقالاتی در این زمینه نوشته شده، اما تحقیقی که جامع همه اندیشه های ایشان باشد بطور هماهنگ و منسجم که بصورت یک مکتب ارائه بشود بنده پیدا نکردم و از این سبب در تلاش ارائه رساله ای هستم که بیانگر مکتب اخلاقی ایشان باشد.

روش تحقیق:

ما در این رساله سعی می کنیم از روش توصیفی و تحلیلی بهره ببریم یعنی اولاً نظرات ایشان را آنچنان که است توصیف کنیم و سپس به تحلیل و مقایسه نظرات ایشان پردازیم که در مواضع گوناگون و با عبارات گوناگون ارائه کرده اند تا به یک نظم و ترتیب منطقی و منسجم به صورت یک مکتب دست یابیم [اگر چنین هماهنگی بین اندیشه های ایشان وجود داشته باشد] روش جمع آوری اطلاعات در این رساله به صورت استفاده از کتابخانه و نرم افزار می باشد.

کلید واژه ها:

اخلاق:

اخلاق جمع خُلق و خُلُق به معنی سجایا یعنی ملکات و صفات پایدار نفسانی می باشد چنانکه

راغب در مفردات می نویسد:

«الْخُلُقُ وَالْخُلُقُ فِي الْأَصْلِ وَاحِدٌ كَالشَّرْبِ وَالشُّرْبِ وَالصَّرْمُ وَالصَّرْمُ لَكِنْ خَصَّ الْخُلُقُ بِالْهَيْئَاتِ وَالْأَشْكَالِ وَالصُّورِ الْمَدْرَكَةَ بِالْبَصْرِ وَخَصَّ الْخُلُقُ بِالْقَوَى وَالسَّجَايَا الْمَدْرَكَةَ بِالْبَصِيرَةِ»^۱

ترجمه: خَلَقَ و خُلِقَ در اصل یک ریشه دارند مانند: شَرَبَ و شُرِبَ و صَرَمَ و صُرِمَ لکن خَلَقَ مخصوص هیئت ها و شکل ها و صورت ها است که با چشم دیده می شود و خُلِقَ مخصوص قوا و صفات پایدار درونی است که با چشم دل دیده می شود.

ابن مسکویه به ویژگی خُلُقَ چنین اشاره کرده است:

«خُلُقٌ هُمَانٌ حَالَتٌ نَفْسَانِيَةٌ أَسْتَكْمِلُ بِهَا الْإِنْسَانَ رَابِعًا بِأَنْ يَكُونَ بِهَا كَارِهًا يَدْعُوهُ إِلَى الْفِعْلِ الْبَدِيهِ وَالْإِنْسَانُ إِذَا كَانَتْ فِيهِ مَلَكَاتٌ فَضِيلَةٌ نَامِيَةٌ مِي شُودُ وَ أَنْهَائِيَةٌ كَمَا مَنَشَأُ أَعْمَالُهُ بِهَا هَسْتَنْدُ اخْلَاقًا بَدِيَّةً وَ مَلَكَاتٌ رَذِيلَةٌ مِي گويند»^۲

استاد مطهری می نویسد:

«خُلُقٌ دَرْمَقَابِلُ خَلْقٍ أَسْتَكْمِلُ بِهِ الْإِنْسَانَ رَابِعًا بِأَنْ يَكُونَ بِهَا كَارِهًا يَدْعُوهُ إِلَى الْفِعْلِ الْبَدِيهِ وَالْإِنْسَانُ إِذَا كَانَتْ فِيهِ مَلَكَاتٌ فَضِيلَةٌ نَامِيَةٌ مِي شُودُ وَ أَنْهَائِيَةٌ كَمَا مَنَشَأُ أَعْمَالُهُ بِهَا هَسْتَنْدُ اخْلَاقًا بَدِيَّةً وَ مَلَكَاتٌ رَذِيلَةٌ مِي گويند»^۳

کلمه اخلاق و معادلهای آن در دیگر زبانها به چند صورت استعمال می شود:

۱- همان معنای لغوی یعنی صفات نفسانی پایدار (ملکات) نظر متقدمین از علماء اخلاق مثل: ابن مسکویه - خواجه نصیر طوسی - فیض کاشانی ...

در این معنی احکام اخلاقی اولاً متعلق به ملکات نفسانی است و برای اعمال حکم ثانوی را دارد.

۲- اعمال و رفتار متناسب با فضائل و رذائل اخلاقی هر چند از یک حالت زودگذر

^۱ - راغب، مفردات، ماده خلق، و نیز رک: ابن منظور، لسان العرب ماده خلق.

^۲ - «الخلق حال للنفس داعية لها الى افعالها من غير فكر ولا روية». تهذيب الاخلاق و تطهير الاعراق ص ۵۱ منشورات دار مكتبة الحياة طبع الثاني بيروت.

^۳ - ناصر، مكارم شيرازي، اخلاق در قرآن ج ۱ ص ۲۴.

^۴ - مرتضى مطهری، آشنایی به قرآن ج ۸ ص ۲۴۷.

برخاسته باشد نه از ملکه نفسانی. در این اصطلاح احکام اخلاقی ناظر به اعمال هستند نه ملکات - نظر برخی عالمان غربی.^۱

۳- فقط به اعمال، حالات و ملکات مثبت، اخلاق اطلاق می شود و به مقابله غیر اخلاق یا ضد اخلاق گفته می شود.^۲

استاد مطهری در برخی آثار خود کلمه اخلاق را گاهی به معنی اول استعمال کرده مانند:

«... با مکرم داشتن این خود است که تمام اخلاق مقدسه در انسان زنده می شود و تمام

اخلاق رذیله از انسان دور می گردد...»^۳

و در بعضی از موارد اخلاق را به اصطلاح سوم بکار برده است.

«... ابتدائاً به نظر می رسد که فعل اخلاقی یا صفت اخلاقی و یا اندیشه اخلاقی احتیاجی

به تعریف ندارد... همه اخلاق را و قهراً ضد اخلاق را می شناسند.»^۴

و در برخی موارد دیگر، اخلاقی بودن، صفت فعل به حساب آمده است.

«... مسئله فعل اخلاقی و خود اخلاق را باید از یکدیگر تفکیک کرد...»^۵

استاد مطهری معتقد است در مفهوم اخلاق قداستی نهفته است بنابراین اخلاقی بودن

مخصوص انسان است و بر حیوانات اطلاق نمی شود.

«در مفهوم اخلاق قداستی نهاده شده است و لهذا کلمه «اخلاق» را در مورد حیوانات بکار

نمی برند... اخلاق اختصاص به انسان دارد^۶... و لهذا اگر انسان اینگونه تعریف بشود:

۱- ر.ک: ویلیام کی، فرانکنا. فلسفه اخلاق صص ۳۶ و ۱۴۱.

۲- همان ص ۲۸.

۳- مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق (تهران، انتشارات صدرا، ج ۲۳، ۱۳۸۱) ص ۱۳۱.

۴- همان ص ۱۶.

۵- تعلیم و تربیت ص ۱۵۳.

۶- همان ص ۹۵.

انسان حیوانی است اخلاقی این تعریف تعریف غلطی نیست.^۱»

به نظر می‌رسد این قداست از آن اخلاق است از آن جهت که یک استعداد مخصوص به انسان است که می‌تواند درست شکوفا بشود و به قداست فعلی خود برسد و ممکن است به انحطاط کشیده بشود مثل سایر استعدادهای مخصوص انسان. بنابراین منافات ندارد به اخلاقِ ضد اخلاق هم اخلاق اطلاق بشود به قید «بد» بودن همچنان که به انسانهای ضد انسان هم انسان اطلاق می‌کنیم به قید «بد».

اگر چه نظر استاد مطهری در تعریف اخلاق بیشتر ناظر به جنبه مثبت آن است بعبارت دیگر چنین است::

«اخلاق عبارت است از یک سلسله خصلت‌ها و سجایا و ملکات اکتسابی که بشر آنها را به عنوان اصول اخلاقی می‌پذیرد یا به عبارت دیگر قالب روحی برای انسان که روح انسان در آن قالب و در آن کادر و طبق آن طرح نقشه ساخته می‌شود و چگونگی روح انسان است که چگونه باید باشد.»^۲

تعریف علم اخلاق

معمولاً علماء اخلاق علم اخلاق را بر دو اساس تعریف کرده‌اند:

۱- اخلاق فضیلت؛ که ناظر به ملکات نفسانی است.

۲- اخلاق وظیفه؛ که ناظر به اعمال است.

اخلاق فضیلت:

ابن مسکویه در تعریف علم اخلاق می‌نویسد:

«[علم اخلاق] فنی است که بوسیله آن ما خُلُق‌ی را برای خودمان کسب می‌کنیم که همه

اعمال از ما به زیبایی صادر بشوند با وجود این برای ما سهل و آسان باشد و هیچ مشقت و

^۱ - فلسفه اخلاق ص ۱۹.

^۲ - تعلیم و تربیت، ص ۱۵۸.